مک‌فارلین به روایت هاشمی

۲ جلد کتابی که توسط وزارت خارجه درباره مک‌فارلین تهیه شد به ملاحظاتی منتشر نشد

مهسا جزینی

عکس: رنوفه رستمی، شرق

۲۹ سال از آن ماجرا گذشته است؛ از روزی که هیأتی آمریکایی به سرپرستی «رابرت مک‌فارلین»، مشاور امنیتی «رونالد ریگان»، برای مذاکره درباره آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان، در ازای فروش تجهیزات نظامی مورد نیاز ایران در جنگ، با پاسپورت‌های ایرانی وارد ایران شدند. سه روزی ماندند و رفتند. هفت ماه بعد خبر در روزنامه «الشراع» لبنان منتشر شد. هاشمی‌رفسنجانی به پیشنهاد امام(ره) در نخستین نمازجمعه وقت، جزئیات ماجرا را با مردم در میان گذاشت. هاشمی در خاطرات سال ۶۴ و ۶۵ خود درباره آن ماجرا نوشته است و بعدا در گفت‌وگوهایی، بخش‌هایی از آن ماجرا را بیان کرده است. کتابی هم با همین عنوان از سوی دفتر نشر معارف انقلاب منتشر شده است و برخی افرادی که در جریان ماجرا بودند مانند «علی هاشمی»، برادرزاده هاشمی، و «محسن کنگرلو»، مشاور امنیتی نخست‌وزیر وقت، هم دراین‌باره صحبت کرده‌اند. در آن‌سوی ماجرا، هم خاطرات افرادی چون «مک‌فارلین» منتشر شد و هم گزارشی معروف به «تاور» از سوی کنگره آمریکا. افشای ماجرا، آن زمان در مجلس ایران هم اعتراضاتی به‌دنبال داشت و با ورود امام(ره)، قضیه پایان یافت. پرونده مک‌فارلین، اما در همان سال ۶۵ بسته نشد؛ اتفاقات بعدی نشان داد این ماجرا در فضای داخلی سیاسی ایران هنوز آن‌قدر ظرفیت دارد که هرازگاهی به محلی برای ماجراجویی‌ها و دعواهای سیاسی بدل شود. نمونه آن، گفت‌وگوی سال گذشته «محمد خامنه‌ای» با نشریه رمز عبور بود. سؤال درباره ماجرای مک‌فارلین همچنان بسیار است. در سالگرد ورود هیأت آمریکایی، با «اکبر هاشمی‌رفسنجانی»، گفت‌وگو کرده‌ایم.

◣ درباره ماجرای مک‌فارلین، برخی از افراد گفته‌اند اگر در آن شرایط، هیأت آمریکایی‌ای که به ایران آمده بودند، عجله نمی‌کردند و بیشتر صبر می‌کردند، شاید دوسوی ماجرا به توافق می‌رسیدند. حتی شنیدیم شما هم به‌خاطر جنگ و مضیقه خرید اسلحه، موافق بودید، ولی گویا در یک جلسه سران، عده‌ای مخالف بودند. خیلی دوست داریم بدانیم چه کسانی مخالف بودند؟ آیا واقعا اگر هیأت آمریکایی عجله نکرده و مانده بودند، می‌توانستیم به نتیجه‌ای برسیم؟

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم، ماجرای مک‌فارلین یک مسئله ملی بود. ما در جنگ به جایی رسیده بودیم که بعضی از ابزار نظامی بسیار مهم، به‌خاطر نداشتن قطعه‌های حساس، از کار افتاده بودند. شرایطی پیش آمد که خود آمریکایی‌ها حاضر شدند قطعاتی را که ما خیلی نیاز داشتیم، به ما بدهند. البته آمریکایی‌ها در آن‌موقع که این اتفاق افتاد، فهمیده بودند که ما در جنگ نمی‌بازیم و وضع عراق در میدان جنگ، خوب نیست. چون تا آن زمان از عراق حمایت کرده بودند، می‌خواستند به ما نزدیک شوند تا بعد از جنگ برنده باشند. خیلی طبیعی وارد قضیه شدیم. فردی به نام آقای قربانی‌فر که در زمان شاه با بعضی از آمریکایی‌ها ارتباط داشت، با بعضی‌ها در داخل شرکت داشتند، با هم کار می‌کردند، رفیق بودند و ارتباط خانوادگی داشتند. بعد از کودتای نوژه که دستش در کودتا کشف شد، فرار کرد و به آمریکا رفت. در آنجا به‌دنبال بازار سیاه اسلحه رفت و از جاهای مختلف اسلحه پیدا می‌کرد و به ما می‌فروخت. رابطش مشاور آقای موسوی، آقای محسن کنگرلو، بود که مشاور امنیتی بود. او مذاکره می‌کرد و سلاح‌هایی را که نیاز داشتیم، از بازار سیاه تهیه می‌کردند و می‌آوردند. آمریکایی‌ها فهمیدند که ما سلاح‌ها را چندبرابر قیمت در بازار سیاه می‌خریم. به آقای قربانی‌فر گفتند: چرا ایرانی‌ها از بازار سیاه با چندبرابر قیمت سلاح می‌خرند؟ بیایند از خود ما بخرند. اگر با ما قرارداد ببندند، ما سلاح می‌دهیم. بعد هم گفته بودند ما انتظاری هم داریم. عده‌ای از شخصیت‌هایشان را در لبنان گروگان گرفته بودند. می‌گفتند: ایران کمک کند که آنها آزاد شوند و ما هم نیازها را می‌دهیم. نامه‌ای هم نوشتند. نامه را قربانی‌فر نوشته بود و به آقای کنگرلو داد. چون من مسئول جنگ بودم، نخست‌وزیر، آن را برای من فرستاد. من هم در جلسه سران مطرح کردم. احمدآقا هم بود که با امام هم مطرح کرد. امام هم گفتند: اقدام کنید تا هرچه نیاز جنگ است، بگیرید و ما مخالفتی نداریم. جنگ ما در رأس امور است.

یعنی همه در جریان بودیم. ما به‌عنوان رئیس مجلس، رئیس‌جمهور، رئیس قوه‌قضائیه، نخست‌وزیر و حاج‌احمدآقا اطلاع داشتیم و امام هم با واسطه در جریان بودند. اگر اتفاقی می‌افتاد، خودمان می‌رفتیم و به امام توضیح می‌دادیم. مدتی این‌گونه بود، مثلا چند فروند تاو می‌گرفتیم، تاو موشک‌های ضدتانک است که برای شکار تانک‌ها خیلی مؤثر است. تانک‌ها نمی‌توانند از چهار کیلومتری جلوتر بیایند. اگر با هلیکوپتر بزنیم، از راه‌های خیلی دور هم می‌توان عمل کرد. آن را تولید نمی‌کردیم و الان تولید می‌کنیم. در بین موشک‌های ضدهوایی، هاگ بهترین موشک است که البته بعدها چیزهایی آمده که خیلی قوی‌تر است و خودمان هم می‌سازیم. در زمان شاه چند سِت هاگ خریده بودند که در جنگ استفاده می‌کردیم، ولی در حال تمام‌شدن بود. فضاها را با آن موشک‌ها حفظ می‌کردیم. رادارها در جنگ‌ها چشم هستند، یعنی نیروهای نظامی می‌فهمند که چه خبر است و دشمن از کجا می‌آید. رادار داشتیم، ولی لامپ حساس آن تمام شده و سوخته بود. برای تهیه این نیازها وارد مذاکره شده بودیم. آقای قربانی‌فر اینها را خرید. آمریکایی‌ها هم می‌دادند. چندبار برای ما آوردند و ما هم تلاش کردیم و آمریکایی‌ها را در لبنان پیدا کردیم. گروه خاصی آمریکایی‌ها را گروگان گرفته بودند و ما از طریق حزب‌الله آنها را شناختیم. باید به آنها پول می‌دادیم، حزب‌الله هم کمک می‌کرد گروگان‌ها را آمریکایی‌ها پس می‌گرفتند، در مقابل، یک محموله هم می‌رسید. مدتی ادامه داشت و اعتمادی جذب شده بود که آنها سلاح‌ها را داده بودند و بعضی از مشکلات ما هم حل شده بود. مدتی که گذشت، توسط آقای قربانی‌فر پیغام داده بودند که چرا جزئی‌جزئی باشد؟ بیایید یک قرارداد کلی ببندیم تا نیازهای تسلیحاتی شما را بدهیم. گفته بودند هیأتی را می‌فرستیم. در جلسه سران مطرح کردیم و موافقت شد.

آنها نگفته بودند هیأت به ریاست مک‌فارلین که موقعیت ممتازی داشت، می‌آید. ما فکر کردیم یک هیأت تجاری است. آنها آمدند و به همراه خود کانتینری پر از سلاح‌هایی را که می‌خواستیم، آوردند. یک‌بار موشک‌هایی آوردند که آقای روحانی به فرودگاه رفت و دید، چون آقای روحانی معاون من در قرارگاه بود. ایشان رفت دید و گفت اینها مارک اسرائیلی دارد. در همان‌جا آنها را نگاه داشتیم که هواپیمایی آمد و آنها را برد و عوضش را آورد، یعنی تا این حد حساس بودیم که پای اسرائیلی‌ها در میان نباشد. هیأت آمد و در فرودگاه نیروهای ایرانی فهمیدند که مک‌فارلین رئیس آنهاست. طول کشید تا به ما اطلاع دادند و ما هم جلسه تشکیل دادیم و به امام گفتیم که مک‌فارلین در هیأت هست، چه‌کار کنیم؟ ایشان گفتند: حالا که آمدند، نمی‌شود برگردانید. منتها برایش تشریفات آن‌گونه قائل نشوید و در مقرهایی که برای میهمانان عالی‌رتبه داریم، نبرید و به هتل ببرید و شما هم ملاقات نکنید، یعنی هیچ‌کس از سران با آنها ملاقات نکند. ولی افراد وارد را برای مذاکره بفرستید. سه روز در هتل مذاکره کردند که آقای وردی‌نژاد از اطلاعات سپاه و آقای دکتر هادی از مجلس مأمور شدند تا مذاکره کنند. اشکالاتی در مذاکرات بود. چون آسان نیست که همه مسائل را در یک جلسه بتوان حل کرد. به جایی رسیدند و آنها رفتند.

◣ پس اگر مانده بودند، حل می‌شد.

نه، باید می‌رفتند تا شرح سفر و مذاکرات را به مسئولان خود بگویند. طبیعی بود که باید این کار می‌شد. بعد قضایا به آنجا رسید که احساس کردیم سلاح‌هایی که آقای قربانی‌فر به ما فروخته، گران فروخته است. مثلا ۱۴ میلیون می‌ارزید، ۲۰ میلیون از ما پول می‌خواست. شش میلیون را ندادیم و گفتیم که قیمت‌ها با کتابچه نمی‌خواند، چون کتابچه‌ای برای قیمت‌ها داشتیم. فرض این بود که از آمریکایی‌ها می‌گیرد و به اینجا می‌آورد، به همین خاطر حق دلالی می‌گیرد. پول را ندادیم و وی به آیت‌الله منتظری شکایت کرد که اینها پول مرا نمی‌دهند.

آیت‌الله منتظری اصلا خبر نداشت و ما ایشان را در جریان این کارها نمی‌گذاشتیم، چون مسئولیت ایشان این نبود. از داخل بیت آیت‌الله منتظری این خبر به مجله الشراع رفت. خود ایشان نفرستاده بود. هیاهو شد و امام(ره) هم به من دستور دادند و گفتند: برو و هرچه گذشته، واقعیت را به مردم بگو تا در جریان باشند.

◣ در جریان مک‌فارلین باند تندرو مهدی هاشمی به‌نوعی با افشای ماجرا باعث شد آن مذاکرات به‌سرانجام نرسد. به اعتقاد شما آن ماجرا تا چه اندازه به وضعیت امروز مذاکرات هسته‌ای ما شبیه است و شباهت و نقش تندروهای داخلی امروز را در ماجرای هسته‌ای با تندروهایی که آن روز ماجرا را فاش کردند، در چه می‌بینید؟ و اگر آن افشاگری در مجله الشراع صورت نمی‌گرفت، به اعتقاد شما مذاکرات تا کجا و چطور ادامه پیدا می‌کرد؟

ماهیت این دو موضوع کاملا متفاوت است. نمی‌توان دو موضوع متفاوت را با یک نگاه تفسیر کرد. در آن موضوع بسیاری از کسانی که می‌توانستند در مخالفت تندروی کنند، در جریان نبودند و در موضوع هسته‌ای تمام مسائل از چندسال پیش به صورت شفاف در جامعه گفته می‌شود. این نوع افراط‌گری‌ها در یک چیز و آن هم نتیجه، مشترک‌اند که به ضرر منافع ملی تمام می‌شود.

◣ در جریان مذاکرات با آمریکایی‌ها ایران توانست بخشی از تسلیحات مورد نیاز جنگ را تأمین کند و پیشرفت‌های قابل‌توجهی در جنگ داشته باشد، ازجمله فتح فاو و گفته‌های فرماندهان جنگ هم طی همان مدت، حاکی از این است که ما در جنگ دست بالا را داریم. اما به‌طور مشخص بعد از برهم‌خوردن مذاکرات، وضعیت ایران در جنگ برعکس می‌شود. موشک‌باران تهران و بعد، از دست‌رفتن فاو رخ می‌دهد. به اعتقاد شما در صورتی که مذاکرات ادامه پیدا می‌کرد، سرنوشت جنگ به‌گونه‌ای دیگر تمام می‌شد؟

اصولا غرب و شرق در آن شرایط نمی‌خواستند جنگ تحمیلی عراق با ایران برنده واقعی داشته باشد و آنها می‌خواستند تخم کینه را که در منطقه کاشته بودند، آبیاری کنند. گاهی که قدرت ما برتر می‌شد، شرق حمایت‌های همه‌جانبه از صدام را افزایش می‌داد تا جایی که می‌گویند در مقطعی مشاوران نظامی در ستادهای ارتش بعث حضور داشتند. البته داشتن تجهیزات کامل، نوعی آرامش نظامی ایجاد می‌کند که اگر داشتیم و از تمام‌شدن سلاح‌ها دلهره نداشتیم، شاید می‌توانستیم برنامه‌های دیگری برای عملیات‌ها بریزیم.

◣ آمریکایی‌ها یک‌بار هم تلاش کردند از طریق ارتباط با برادرزاده شما در لندن با ایران ارتباط بگیرند و از این طریق خواسته خود که آزادی بقیه گروگان‌ها در ازای فروش سلاح بود را در پیش بگیرند. چرا با برادرزاده شما تماس گرفتند؟

باید از آنها بپرسید. ولی ظاهر قضیه این است که می‌خواستند مسائل و خواسته‌هایشان را به من، به عنوان فرمانده جنگ، اطلاع دهند.

◣ آقای کنگرلو معتقدند در قضیه فروش تسلیحات، بحث گران‌فروشی خیلی مطرح نبوده و با توجه به نیاز ما به آن تسلیحات و تأثیر در تغییر توازن جنگ به‌نفع ما بود اینکه انحصار تولید و فروش دست آمریکا بود، خیلی این بحث قیمت نمی‌توانسته قابلِ طرح باشد و حتی خرید تجهیزات جنگ در آن شرایط با قیمت بیشتر به نفع ما بوده است.

البته اگر شرایط آن‌گونه نمی‌شد، امکان حل آن مشکل وجود داشت به خاطر گرانی، قضیه به‌هم خورد و شرایط عوض شد، آن گرانی فقط عاملی شد برای فاش‌شدن یک جریان محرمانه.

◣ آقای کنگرلو معتقدند هاگ‌ها اصلا مارک اسرائیلی نداشت و این ماجرای اسرائیلی‌بودن صحت نداشته و احتمالا به شما اطلاعات اشتباه رسانده شده است.

در آن مقطع، ما به نیروهای خود اطمینان و اعتماد کامل داشتیم و آنها گزارش داده بودند که چنین است. مدت‌ها در فرودگاه ماند تا تعویض کردند.

◣ گفته می‌شود چون منوچهر قربانی‌فر باقی پول خود را دریافت نکرد، ماجرا را نزد بیت آیت‌الله منتظری فاش کرد. آیا اینجا اشتباه از جانب ما نبود که فقط به صرف گران‌فروشی، جلو یک معامله‌ای که می‌توانست به‌نفع ما در جنگ تمام شود، گرفته شد؟

نه، عوامل متعددی در ماجرا دخیل بود، مثلا در آمریکا آن‌قدر رسوایی به‌بار آورده بود که منجر به خودکشی یکی از شخصیت‌هایشان شد. گرانی قیمت‌ها عامل آشکار بود. شاید که عوامل مخالف و ایادی صهیونیست‌ها در دو طرف کارشکنی می‌کردند. افشای آن جریان برای کاخ سفید بسیار گران تمام شد و زلزله سیاسی در آمریکا رخ داد. گروه‌های تحقیق بسیار کار کردند و دو مشکل داشتند؛ هم آن‌گونه معامله با ایران و هم ارسال پول آن به نیکاراگوئه برای تقویت مخالفان رژیم حاکم.

رسانه‌های آمریکا ماه‌ها به آن پرداختند. در آن زمان وزارت خارجه جنبه‌های مختلف این ماجرا در آمریکا را جمع‌آوری و ترجمه کرد و دو جلد کتاب تهیه شد. به ملاحظاتی، آن کتاب منتشر نشد. امروز شاید انتشار آن مانعی نداشته باشد، مناسب است بررسی شود. اگر صلاح دیده شد، چاپ و منتشر شود. بسیار پرفروش خواهد بود و مردم می‌فهمند که تدبیر ایران با هدایت امام چگونه یک افتخار سیاسی به‌بار آورد و در مقابل، چگونه آمریکا سال‌ها در گرداب و التهاب بود.

البته در ایران جمعی خواستند بلوا راه بیندازند، ولی امام که از قبل دستور داده بودند حقایق به مردم گفته شود، جای شبهه‌ای نمانده بود و درعین‌حال، با یک نهیب مناسب، حرکت آنها را در نطفه خفه کردند.

گزارش

سلاح‌های ۸ سال جنگ تحمیلی از «تاو» تا «هاگ»

محمدحسن نجمی

● سال ۱۳۶۴ بود؛ سال‌های میانی جنگ. ایرانیان در حال دفاع برابر متجاوزبه‌خاکشان بودند؛ دشمن هم با انبارهای پر از سلاح و با خیال راحت ادامه می‌داد. از فروردین‌ماه همان سال بود که حملات هوایی عراق، شدیدتر شده بود. دشمن قصد داشت با حمله به تأسیسات نفتی ایران، سیستم انتقال نفت را فلج کند. هدف از آن هم معلوم بود؛ اخلال در صادرات نفت و کاهش درآمد نفتی ایران. جزیره خارک، خاک غریب ایران در میان خلیج‌فارس، چندین‌بار هدف حملات عراق قرار گرفت. سیاست‌مداران جنگ مشغول کار بودند تا بلکه راهی برای خروج از این اوضاع پیدا کنند؛ البته بیشتر با تلاش برای یافتن سلاح موردنیاز در بازارهای سیاه؛ سلاح‌هایی که می‌توانست متجاوز را تأدیب کند. سلاح‌های موردنیاز، بیشتر که نه، همه‌شان ساخت کشوری بود که از همان سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی، خرجش با ایران جدا شده بود؛ آمریکا. موشک‌های ضدتانک «تاو»، موشک‌های ضدهوایی «هاگ»، «لامپ رادار»، موشک‌های «هارپون»، «فونیکس» و... .

۱۳۶۵؛ سفری که فاش شد

۱۲ آبان‌ماه ۱۳۶۵ بود؛ روزنامه «الشراع» در بیروت با انتشار خبری کاخ سفید را در واشنگتن لرزاند؛ مشاور امنیت ملی ریگان، رئیس‌جمهوری آمریکا چند ماه قبل به ایران سفر کرده بود تا در تهران سلاح بفروشد و در ازای آن از ایران برای آزادی گروگان‌های در دست گروه‌های لبنانی کمک بگیرد. براساس روایتی که «نیویورک‌تایمز» در این مورد منتشر کرده است، سلاح‌های مدنظر در هشت نوبت و از مرداد ۱۳۶۴ تا آبان ۱۳۶۵ یعنی چندروز پیش از افشای ماجرای مک‌فارلین به ایران منتقل شده‌اند. این سفر و حواشی آن، دیگر پنهان نبود. هرچند «مک‌فارلین» و هیأت همراهش برای اولین و آخرین‌بار در چهارم خرداد ماه ۱۳۶۵ به تهران آمدند، اما ورود سلاح‌های آمریکایی موردنیاز ایران، نزدیک یک سال بود که جریان داشت. «هاشمی‌رفسنجانی» در خاطرات سال ۱۳۶۴ از تحویل سلاح‌های آمریکایی به ایران می‌نویسد. او در روزنوشت پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ می‌نویسد: «آقازاده (معاون نخست‌وزیر در امور اجرائی) آمد و گزارشی از رسیدن تعدادی موشک تاو و پیغامی از آمریکا در مورد تحویل بعضی از نیازهای مهم جنگی در مقابل کم‌کردن فشار انقلابیون لبنان بر آمریکا و آزادی گروگان‌های آمریکا ارائه داد». دوشنبه ۱۸ مرداد همان سال هم در خاطرات هاشمی این‌گونه روایت شده: «آقازاده به منزل ما آمد و اطلاع داد که آلمانی‌ها چند عدد لامپ رادار هاگ به ما فروخته‌اند که فوق‌العاده موردنیاز است و قیمت آن حتی از قیمت فروش قبل از انقلاب ارزان‌تر است... . قرار است موشک رولاند هم بفروشند... . فرداشب هواپیمای حامل ۵۰۰ موشک تاو وارد می‌شود».

۱۳۸۲؛ هاشمی از مک‌فارلین می‌گوید

سال ۱۳۸۲ بود؛ ۱۷ سال پس از افشای ماجرای مک‌فارلین. «هاشمی‌رفسنجانی» در مصاحبه با روزنامه همشهری از نیاز مبرم آن سال‌های ایران به آن سلاح‌ها صحبت می‌کند: «همکاری‌های آمریکا با ما در آن مقطع هم بسیار محدود بود. در حدی که اگر ما در لبنان کمک می‌کردیم و یک گروگان آزاد می‌شد، آمریکا هم به ما تعدادی موشک تاو می‌داد که برای ما مفید بود... . در فاو هم گرفتن تعدادی از این موشک‌ها مؤثر بود. موشک‌های ضدهوایی هاگ بسیار مهم بودند». او سال ۱۳۸۳ هم در مصاحبه دیگری، در مورد نیازهای ایران در طول جنگ گفته که «F14های ما چیزهایی می‌خواستند که غیراز آمریکایی‌ها کسی نداشت یا موشک‌های ضد زره تاو را در جنگ خیلی نیاز داشتیم. تانک‌های عراقی مثل T72 تا آستانه قرارگاه‌های ما می‌آمدند و ضدزره‌های ما تأثیری روی آنها نداشت. رادارهای ما از کار افتاده بودند. چون چند قطعه مهم مثل لامپ‌ها دارند که اگر نباشند، رادارها کور می‌شوند. موشک‌های ضدهوایی هاگ برای ما در تهران، خارک و جبهه‌ها حیاتی بود. هروقت عملیات می‌کردیم، باید فضا را حفظ می‌کردیم. موشک‌های هارپون را در دریا نیاز داشتیم که غیر از آمریکا کسی نداشت».

۱۳۶۴؛ تأثیر بر فاو

در هر شکل ورود اسلحه‌ها، کفه جنگ را به سمت ایران سنگین می‌کند؛ چراکه اغلب سیستم پدافند آن زمان که از خریدهای رژیم شاه بود، آمریکایی بودند. «هاشمی» در مصاحبه‌ای که سال ۱۳۸۶ انجام داد، اهمیت زیادی برای خرید موشک‌ها و... قائل است. او می‌گوید: «مدیریت مسئله مک‌فارلین که نتیجه آن تأمین بخشی از نیازهای بسیار ضروری از قبیل موشک‌های تاو و موشک‌های هاگ و لامپ‌های رادارها و... بود که کمبود آنها خیلی از تجهیزات جنگ را از کار انداخته بود و گاهی لامپ رادارهای موشک‌های هاگ را برای فعال‌کردن آن در نقطه حساس از تهران به جبهه یا خارک می‌بردند و تأثیر زیادی در عملیات والفجر ۸ و عبور از اروند داشتند. البته این جریان با همدلی سران قوا و حاج احمد آقا و موافقت امام(ره) انجام شد». عملیات والفجر ۸ که نتیجه آن فتح فاو بود، دنیا را به لرزه درآورد؛ چراکه ایران برای تعقیب دشمن و تادیب آن وارد خاک عراق شد. این عملیات در بهمن‌ماه ۱۳۶۴ آغاز شد و ۲۹ فروردین ۱۳۶۵ با پیروزی نهایی ایران خاتمه یافت.

ادامه در صفحه ۱۹

منهای پایتخت

درمدارس خبیثه تروریست‌پرور را ببندید

● **ایرنا؛ قم:** آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، از مراجع تقلید، با محکوم‌کردن جنایات وهابیت تکفیری علیه شیعیان عربستان، خطاب به علمای وهابی گفت: ریشه تمام اینها در وهابیت شما است؛ در مدارس خبیثه را ببندید؛ چراکه این تعالیم خبیثه را منتشر می‌کنند. او افزود: ریشه تمام اینها در وهابیت شماست، کتب درسی دوره دبیرستان آنها را آورده بودند و ما مشاهده کردیم صریحا نوشته شده بود زوار قبور مشرک هستند و جان و مال و خونشان مباح است و این شامل شیعه و اهل‌سنت می‌شود؛ چراکه اهل‌سنت نیز به زیارت قبور می‌روند.

اعزام ۲۰ هزار نفر از خراسان رضوی به مراسم سالروز ارتحال امام(ره)

● **فارس؛ مشهد:** محمد افراسیابی، مسئول کمیته اعزام سالروز ارتحال امام(ره) خراسان رضوی، گفت: ۲۰ هزار نفر از استان و با هماهنگی ۵۰۰ دستگاه اتوبوس در ۱۲ مسیر مشخص از روز ۱۳ خرداد برای حضور در بزرگداشت ارتحال امام راحل در مرقد مطهر ایشان اعزام می‌شوند.

نابودی ۷۰ درصد نخل‌های خرمشهر در جنگ

● **ایسنا؛ خرمشهر:** محمد مطرودی، مدیر جهاد کشاورزی خرمشهر، گفت: براساس آمار به‌دست‌آمده، قبل از جنگ ۱.۵ تا دو میلیون نفر نخل در این شهرستان وجود داشت که با وقوع جنگ‌تحمیلی ۷۰ درصد این نخل‌ها از بین رفت، تاجایی‌که امروز فقط ۴۵۰ هزار نفر نخل در خرمشهر باقی‌مانده است. او با بیان اینکه خرمشهر در سال‌های قبل از جنگ، قطب مهم نخل‌داری بوده است، افزود: آسیب‌های بخش کشاورزی از جنگ تحمیلی هنوز برطرف نشده است و همچنان کشاورزی خرمشهر مشکل دارد.

احقاق حق انتظار مردم از دستگاه قضائی است

● **فارس؛ صومعه‌سرا:** مجید الهیان، قائم مقام دادگستری کل گیلان، گفت: این موجب افتخار برای بنده و همکارانم در قوه قضائیه بوده و در نظامی خدمت می‌کنیم که مزین به نام اسلام است. او با اشاره به اینکه شأن و منزلت ما مربوط به خدمت‌کردن به مردم است، اضافه کرد: در دستگاه قضا، انتظار مردم حد اعلای خدمت و آن نیز احقاق حق است. او با تصریح اینکه رئیس قوه قضائیه توسط مقام‌معظم‌رهبری یا مقام ولایی تعیین می‌شود، افزود: این امر سبب افتخار کسانی است که در قوه قضائیه فعالیت و خدمت‌گزاری می‌کنند و امیدواریم بتوانیم با تلاش بیشتر و بهتر انتظارات مراجعان را برآورده کنیم.

توطئه‌های روزافزون دشمنان ایجاب می‌کند، همدل باشیم

● **ایرنا، کرج:** قائم‌مقام بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس از فتح خرمشهر به‌عنوان یک حماسه بی‌نظیر در جهان نام برد و گفت: امروز دشمنان برای مقابله با ایران اسلامی، توطئه‌های گسترده‌ای در پیش گرفته‌اند که باید اتحاد و همدلی را بیشتر کنیم. امیر سرتیپ محمدحسن نامی در آیین گرامیداشت روز فتح خرمشهر، به حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد و افزود: تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در جنگ‌ها یا قراردادهای مختلف سیاسی، قسمت‌هایی از خاک ایران جدا شد اما دفاع مقدس با پیروزی و نصرت رزمندگان اسلام و ملت ایران به پایان رسید.

KISH AIR

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)

واگذاری کلیه امور کیترینگ هواپیما و تامین غذای پرسنل در تهران و جزیره کیش، بصورت یکجا به شماره ۹۴/۰۳/۱۰۰۱

شرکت هواپیمایی کیش در نظر دارد، واگذاری کلیه امور کیترینگ هواپیما و تأمین غذای پرسنل خود در تهران و جزیره کیش را بصورت یکجا ، از طریق مناقصه عمومی و مطابق شرایط مندرج در اسناد مناقصه به شرکت واجد شرایط بمدت ۳ سال واگذار نماید . لذا از کلیه شرکتهای دارای مجوز فعالیت از مراجع قانونی دعوت بعمل می‌آید.

• **مبلغ فروش اسناد:** ۲,۵۰۰,۰۰۰ (دو میلیون و پانصد هزار) ریال بصورت فیش وجه واریزی بحساب ۴۱۱۲۴۱۹۹ به نام شرکت هواپیمایی کیش نزد بانک تجارت شعبه اکباتان (مبلغ مذکور غیر قابل برگشت می‌باشد.)

• **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه و نوع آن:** مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (دومیلیارد) ریال بوده که به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش وجه نقد واریزی به حساب صدرالذکر، قابل قبول خواهد بود .

• **محل فروش و تحویل اسناد:** تهران- فاز (۱) شهرک اکباتان ، بلوار شهید نفیسی ، ساختمان شرکت هواپیمایی کیش ، پلاک ۷۷ ، طبقه اول ، مدیریت پشتیبانی و تدارکات، تلفن ۴۸۶۸۱۱۱۲ -۰۲۱ و جزیره کیش - میدان سنایی - ساختمان مرکزی شرکت هواپیمایی کیش- طبقه سوم - واحد پشتیبانی- تلفن : ۴۴۴۵۵۷۲۹-۰۷۶ (ارائه معرفی نامه و اصل فیش واریزی الزامی است).

• **مهلت فروش اسناد:** از تاریخ ۹۴/۰۳/۰۴ لغایت پایان وقت اداری ۹۴/۰۳/۱۱

• **آخرین مهلت تحویل پیشنهادها:** ساعت : ۱۶:۰۰ روز یکشنبه ؛ مورخه ۹۴/۰۳/۲۴

• **مدت اعتبار پیشنهادها:** از تاریخ آخرین مهلت تحویل پیشنهادها تا ۳ ماه

• **تاریخ و محل گشایش پیشنهادها:** ساعت ۱۱:۰۰ روز سه‌شنبه ؛ مورخ ۹۴/۰۳/۲۶ ؛ تهران - فاز (۱) شهرک اکباتان ، بلوار شهید نفیسی ، ساختمان شرکت هواپیمایی کیش ، پلاک ۷۷ ، طبقه دوم ، سالن جلسات.

• **سایر شرایط :**

۱- ارائه گواهی تایید صلاحیت از سازمان کار و امور اجتماعی در امور آشپزخانه و رستوران و یا ارائه مجوز فعالیت اقتصادی معتبر از سازمان‌های مناطق آزاد تجاری - صنعتی در امور کیترینگ، آشپزخانه و رستوران و همچنین داشتن حداقل ۳ سال سابقه کار الزامی است.

۲- برنده مناقصه در قبال دریافت امتیاز انعقاد قرارداد سه ساله کیترینگ شرکت هواپیمایی کیش، می‌بایست همزمان با امضاء قرارداد، نسبت به تامین و پرداخت ۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (نود میلیارد) ریال اعتبار بدون هرگونه سود - که بنابه نظر این شرکت به امر تامین و تجهیز ساختمان کیترینگ شرکت در تهران اختصاص داده خواهد شد، اقدام و مبلغ مذکور، طی مدت قرارداد و در اقساط مساوی ماهیانه، به برنده مناقصه عودت خواهد شد.

متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۸۶۸۱۱۱۲-۰۲۱ تماس یا به سایت www.kishairlines.ir ،www.kish.ir و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات (iets) مراجعه نمایند.